

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۵ اگست ۲۰۱۷

## امریکا در آشوب

در زبان انگلیسی ضرب المثلی است که می گویند:

(What goes around, Comes around)

معنایش اینست، هر فردی که عملی را انجام می دهد، سرانجام نتایجش را تجربه می کند. این ضرب المثل معروف در حالت کنونی امریکا که خالق همه مشکلات جهان است، صد در صد صدق می نماید. امریکا کودتای خیابانی و پارلمانی را در اوکراین به راه انداخت و رئیس جمهور منتخبه این کشور را از صحنه کشید و از فاشیست های اوکراین حمایت نمود، اکنون عروج فاشیست ها در اوکراین در امریکا ظنین انداز شده و الهام بخش نیو نازیست ها، کوکلس کلان ها و تفوق طلبان سفید گردیده است. بعد از تجاوز به عراق، گروه های تربیه شده سی آی ای تمام موزیم های این کشور را به تاراج بردند و مجسمه های تاریخی این کشور را عمداً شکستاندند. باوجود توبه نامه قذافی، لیبیا را نابود کردند و اکنون می خواهند که سوریه را هم به عراق دیگر تبدیل نمایند. این روش ضد بشری امریکا، حال گریبانگیر خود امریکا شده است. نژاد پرستی در زمان اداره ترمپ به اوج خود رسیده و عکس العمل مردم عامه هم دو چند افزایش یافته که منجر به انهدام مجسمه های تاریخی این کشور گردیده است. امریکا در داخل به سوی راست می غلند و در خارج از اهمیتش در سطح جهانی کاسته می شود.

چند روز قبل، نیرو های سیاه دست راستی و نژاد پرست امریکا در شهر کوچک شارلیتسویل واقع در ایالت ورجینیا اجتماع نموده و شعار های ضد یهود و ضد سیاه پوستان را بلند نموده و با آواز بلند می گفتند که "یهودیان ما را بی جا ساخته نمی توانند... سیاهان ما را بی جا ساخته نمی توانند". این یک قدرت نمائی نژاد پرستان سفید امریکا بود که در ۴۰ سال اخیر سابقه نداشته است. سه گروه خاص نژاد پرستان سفید با هم تشریک مساعی نموده و تظاهرات ضد اقلیت ها به راه انداختند: **کوکلس کلان ها، نیو نازیست ها و تفوق طلبان سفید**. باوجودی که این سه گروه تشکیلات متفاوت دارند، اما در قسمت حفظ تفوق و برتری نژاد سفید هم نظر اند. مخالفان هم که بیشتر شان یهودی و سیاه ها بودند، علیه نژاد پرستان دست به تظاهرات زده که حاصل آن یک تن کشته و ده ها تن زخمی بود. یک نژاد پرست جوان با موتر خود یک دختر جوان را کشت و ده ها تن را مجروح ساخت.

روز بعد، "دونالد ترمپ" رئیس جمهور بی تجربه امریکا و حامی نژاد پرستان در یک کنفرانس مطبوعاتی، عوض این که جانب مردم را بگیرد و حرکت وحشیانه نژاد پرستان را در شارلیتسویل محکوم نماید و درد ها را التیام بخشد،

طوری صحبت نمود که مردم آن را حمایت از نژاد پرستان تلقی کردند. "ترمپ" گفت که هر دو جانب مقصر اند، در حالی که تمام جهان مشاهده کرد که جناح نژاد پرستان سفید آشوب را برپا کرده بودند. مردم امریکا به شمول اعضای جمهورخواه کانگرس از "ترمپ" خواستند که به اشتباه خود اعتراف نماید و از مردم معذرت بخواهد، لاکن "ترمپ" به رهنمائی و اعتراض کسی وقعی قایل نشد. "ترمپ" همچنان از شرکت در محفل یاد بود قربانی حادثه خوداری ورزید و مردم را بیشتر در سرگیچی قرار داد که چه "آدمی" رئیس جمهور امریکا شده است. در جریان مراسم جنازه، "ترمپ" می خواست تیلیفونی با مادر قربانی این حادثه، صحبت نماید و برایش تسلیت بگوید، لاکن مادر داغیده با شهادت تقاضای صحبت را با رئیس جمهور امریکا رد کرد و در تلویزیون گفت که "ترمپ باید قبل از گفتن، ببیندیشد." این بزرگترین توهینی بود که در حق رئیس جمهور قدرت اول جهان می توان روا داشت.

سؤال این جاست که چرا نژاد پرستان سفید شهر کوچک شارلیتسویل را انتخاب کردند. این یک شهر کوچک، زیبا و اکادمیک ایالت محافظه کار امریکاست که به تناسبت سایر شهرها و محلات این ایالت محافظه کار، آزادتر است و نفوسش که بیشتر مشتمل بر محصلان، استادان و سایر مأموران یونورسیتی اند، روشن تر نسبت به سایر مردم این ایالت اند، زیرا در هر جامعه محصلان و استادان رادیکال تر نسبت به سایر اعضای جامعه می باشند. سیاست هم در این شهر انعکاس ترکیب نفوسش را نشان می دهد. رئیس بلدیۀ این شهر یک جوان دموکرات لیبرال است که در جناح مخالف ترمپ قرار دارد. در شبی که "ترمپ" خلاف توقع، انتخابات ریاست جمهوری را برد، رئیس بلدیۀ شهر شارلیتسویل اعلام کرد که "شارلیتسویل منبعد یک پایگاه ضد ترمپ خواهد بود." سرانجام نژاد پرستان از سایر ایالات و خصوصاً از ایالت لویزیانا به شهر شارلیتسویل عمدی و قبلاً طرح شده بود که به مقامات لیبرال این شهر درسی بدهند.

مظاهرات ضد نژاد پرستان که بیشتر از جانب فعالان سیاه و بالاخص یهودیان رهبری می شود، سراسر امریکا را فرا گرفته است. خصومت سیاه و یهود موقتاً کنار گذاشته شده و مشترکاً علیه دشمن واحد صف آرایی می نمایند. مطبوعات این کشور هم که در دست گروه معینی متمرکز شده است، علیه نژاد پرستان با تمام قوت تبلیغ می کند و اداره ترمپ را در حمایت آنها محکوم می نماید. خطای فکری و لفظی "ترمپ" و شاید هم نیت واقعی اش، او را آماج حملات همه جانبه از سوی مطبوعات و محافل سیاسی قرار داده است. حادثه شارلیتسویل همراه با بحران درونی قصر سفید و مداخله روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ امریکا که موقف خودش و یکی از پسرانش را زیر سؤال برده است، "دونالد ترمپ" را در یک معضله بزرگ سیاسی قرار داده است که به مشکل خواهد توانست از آن فرار کند.

در آوانی که "ترمپ" کوریای شمالی و ونزیویلا را تهدید به جنگ می کند و اشغال افغانستان را برای مدت نا معینی ادامه می دهد، کشور خودش در آشوب و بی سرسامانی می سوزد. اکنون یک حالت نا اطمینانی بر اقلیت ها خصوصاً مسلمانان حکمفرما شده و در هراس افتاده اند که آینده شان در این کشور چه مسیری را خواهد پیمود. تصور می شود که "ترمپ" برای گریز موقتی و فریب اذهان عامه به یک ماجراجویی بیرون مرزی نیاز خواهد داشت. ادامه اشغال و شدت بخشیدن جنگ در افغانستان یکی از آنهاست. تحریکات در ونزیویلا و احتمال براندختن نظام مردمی این کشور می تواند یک عنصر دیگر در ذهنیت گنده "ترمپ" تلقی گردد. اگر با این دو بحران عطش انسانکشی "ترمپ" و همراهان فرو نشیند، شعله ور ساختن آتش جنگ در کوریای شمالی بعید نخواهد بود.